

کتاب ملاکی نبی

مقدمه

ملاکی نبی در حدود صد سال بعد از حجی و زکریای نبی زندگی می کرد. کتاب ملاکی نبی بعد از تکمیل شدن بازسازی عبادتگاه در اورشلیم نوشته شده است. با وجود آنکه عبادتگاه تکمیل شده بود، مردم و حتی کاهنان نسبت به عبادت و پرستش کردن خداوند تنبل شده بودند. ملاکی کسانی را که با راستی و صداقت خداوند را پرستش نمی کنند، سرزنش نموده و به آنها یادآور می شود که اگر از کارهای نادرست توبه نکنند مورد، تنبیه خداوند قرار خواهند گرفت. در اخیر کتاب ملاکی از آمدن مسیح موعود خبر می دهد و به مردم خاطر نشان می کند که خداوند به فکر آنها است.

با به پایان رسیدن کتاب ملاکی عهد قدیم کتاب مقدس نیز به پایان می رسد. بعد از ملاکی نبی جهان چهار صد سال در خاموشی یعنی بدون کدام پیامی از انبیا به آمدن مسیح موعود در انتظار می ماند. در پایان سکوت چهار صد ساله، یحیای نبی ظاهر می شود و عیسی مسیح را به حیث «بره ای» که برای آمرزش گناهان همه مردم قربانی می شود، به مردم معرفی می کند.

فهرست مندرجات:

گناهان اسرائیل: فصل ۱: ۱ - ۲: ۱۶

قضاوت خدا و وعده رحمت: فصل ۲: ۱۷ - ۴: ۶

شما نام مرا بی حرمت ساخته اید و می گوئید: «ما چطور نام ترا بی حرمت کرده ایم؟»^۷ وقتیکه شما خوراکی های نجس را بر قربانگاه من می گذارید، نام مرا بی حرمت می سازید. بلی، با این کار خود، شما به خوان من بی احترامی می کنید.^۸ آیا این کار شما قبیح نیست که یک حیوان کور و لنگ و بیمار را برای من قربانی می کنید؟ اگر آن را به حاکم تان هدیه بدهید، آیا او آن را قبول می کند و از شما راضی و خوشنود می شود؟»

^۹ حالا شما کاهنان توقع دارید که خدا بر شما رحم کند و شما را از فیض خود بهره مند سازد. خداوند قادر مطلق می فرماید که قصور از خود شما است.^{۱۰} ای کاش یکی از شما کاهنان دروازه عبادتگاه مرا ببندد تا کسی نتواند آتشی بر قربانگاه من بیفروزد. من از شما راضی نیستم و قربانی های شما را نمی پسندم.^{۱۱} از طلوع تا غروب آفتاب، نام من در سراسر روی زمین و در بین تمام اقوام جهان با احترام و عزت یاد می شود و مردمان دیگر برای من خوشبوئی دود می کنند، قربانی تقدیم می نمایند و به نام من احترام می گذارند^{۱۲} اما شما نام مرا بی حرمت می سازید، زیرا می گوئید که خوان من نجس است و غذای آن مکروه است.^{۱۳} خداوند قادر مطلق می فرماید: «شما می گوئید خدمتی که برای من می کنید خسته کننده است، ولی شما به نام من اهانت می کنید، زیرا شما حیواناتی را که بزور از مردم گرفته اید و آنهایی را که

کلام خداوند درباره اسرائیل بواسطه ملاکی نبی.

محبت خداوند به اسرائیل

^{۳-۲} خداوند می فرماید: «من شما را همیشه دوست داشته ام.» اما شما می پرسید: «تو ما را چطور دوست داشته ای؟» خداوند در جواب می فرماید: «عیسو و یعقوب دو برادر بودند. من از عیسو نفرت داشتم. سرزمین کوهستانی او را ویران کردم و آنجا را مسکن شغالان ساختم، ولی جد شما یعقوب را دوست داشتم.»^۴ شاید ادومیان که اولاده عیسو هستند بگویند: «شهرهای ما ویران شده اند و ما می رویم آن ها را دوباره آباد می کنیم.» اما خداوند قادر مطلق می فرماید: «اگر آن ها شهرهای خود را آباد کنند، من همه را دوباره ویران می سازم. سرزمین آن ها «سرزمین شرارت» و خود شان «مردمی که خداوند تا ابد بر آن ها خشمگین می باشد» نامیده می شوند.»^۵ وقتی شما همه اینها را به چشم خود دیدید، می گوئید: «بزرگی و عظمت خداوند در آنسوی سرحدات اسرائیل هم مشاهده می شود.»

فساد کاهنان

^۶ خداوند قادر مطلق به کاهنان می فرماید: «پسر، پدر خود را و غلام، آقای خود را احترام می کند، پس اگر من پدر شما هستم، چرا به من احترام ندارید؟ اگر من آقای شما هستم، وقار حرمت من کجا است؟ ای کاهنان،

لنگ یا بیمار اند بعنوان قربانی برای من می آورید! آیا فکر می کنید که من آن ها را می پذیرم؟^۴ لعنت بر آن کسی که مرا فریب بدهد، یعنی وعده کند که برای من قوچ سالمی را از گله خود قربانی کند و باز برود و حیوان معیوب را به عنوان قربانی برای من بیاورد. من پادشاه عظیم هستم و نام من در بین اقوام جهان با عزت و احترام یاد می شود.»

نافرمانی از احکام خداوند

۱۰ «آیا همه ما از یک پدر نیستیم؟ آیا همه ما را خدا نیافریده است؟ پس چرا به یکدیگر خیانت می کنیم و پیمانی را که خدا با اجداد ما بست، می شکنیم؟^{۱۱} مردم یهودا خیانت کردند و در اورشلیم و شهرهای یهودا مرتکب اعمال زشتی شدند. مردم یهودا عبادتگاه محبوب خداوند را بی حرمت ساختند و با دختران بت پرست پیمان زناشویی بستند.^{۱۲} خداوند همه کسانی را که این کارها را کرده اند از بین قوم برگزیده خود، اسرائیل، براند و دیگر هرگز با مردمی که برای خداوند قادر مطلق قربانی می آورند، یکجا نشوند.

۱۳ «کار دیگری که می کنید اینست: شما قربانگاه خداوند را از اشکهای تان پُر می سازید و ناله و زاری می کنید، زیرا او دیگر قربانی هائی را که شما می آورید، نمی پذیرد.^{۱۴} می پرسید: «چرا او قربانی های ما را قبول نمی کند؟» بخاطری که شما به همسر تان که در جوانی با او پیوند وفاداری بسته بودید، خیانت کردید و خدا شاهد کردار تان بود.^{۱۵} آیا آن زن را هم خدا نیافریده است؟ آیا روح و بدن انسان به خدا

۲ خداوند قادر مطلق به کاهنان می فرماید: ^۲ «اگر به کلام من گوش ندهید و به نام من احترام نکنید، پس من بجای اینکه شما را برکت بدهم، لعنت می کنم و در حقیقت از همین حالا مورد لعنت من قرار دارید، زیرا شما کلام مرا در دل های تان نمی پذیرید.^۳ من فرزندان تان را تنبیه می کنم، به روی تان سرگین حیوانات را می مالم و شما را از حضور خود می رانم.^۴ آنگاه می دانید که من بخاطری این اخطار را به شما دادم تا پیمانی را که با جد تان، لاوی بسته بودم پابرجا بماند.

۵ در پیمان خود ذکر کرده بودم که به کاهنان اولاده لاوی، حیات و آرامش می بخشم و آن کار را هم کردم تا آن ها نیز متقابلاً به نام من احترام کنند و از من بترسند.^۶ آن ها حقیقت و راستی را به مردم تعلیم دادند و از زبان شان حرف غلط شنیده نشد. آن ها در راه من قدم برداشتند و از طریق راستی انحراف نکردند.^۷ چون کاهنان سخنگوی خداوند قادر مطلق هستند باید به مردم حقیقت و معرفت را تعلیم بدهند تا مردم طریق راستی را بیاموزند.

خود را به خداوند تقدیم کنند.^۴ آنوقت هدایای مردم یهودا و اورشلیم مثل سالهای گذشته مورد پسند خداوند واقع می شوند.

^۵ خداوند قادر مطلق می فرماید: «آنگاه من برای داوری پیش شما می آیم. برضد جادوگران، زناکاران، کسانی که قسم ناحق می خورند، آنهایی که در مزد کارگران تقلب می کنند، اشخاصی که در حق بیوه زنان و یتیمان و بیگانگان ظلم روا می دارند و از من نمی ترسند، شهادت می دهم.»

پرداختن عَشْرِیَه

^۶ خداوند قادر مطلق می فرماید: «من خداوند تغییر ناپذیر هستم. به همین دلیل است که شما، ای اولادهٔ یعقوب، از بین نرفته اید. ^۷ شما هم مثل پدران تان از احکام من سرپیچی کرده و آن ها را بجا نیاورده اید، ولی حالا وقت آنست که بسوی من برگردید تا شما را ببخشم. شما می پرسید: چگونه بسوی تو برگردیم؟ ^۸ آیا کسی خدا را فریب می دهد؟ نی، اما شما مرا فریب داده اید. می گوئید: ما چگونه ترا فریب داده ایم؟ در ده یک دارائی و هدایائی که برای من می آورید تقلب می کنید. ^۹ شما همگی ملعون هستید، زیرا مرا فریب می دهید. ^{۱۰} ده فیصد دارائی تان را بطور کامل به عبادتگاه من بیاورید تا خوراک کافی موجود باشد. به این ترتیب مرا امتحان کنید و ببینید که چطور روزنه های آسمان را می گشایم و شما را از نعمت ها و

تعلق ندارند؟ خدا از شما چه می خواهد؟ او می خواهد که فرزندان راستکار و خداشناس داشته باشید. پس حالا مواظب باشید که به همسر تان خیانت نکنید.

^{۱۶} خداوند، خدای اسرائیل می فرماید: «من از طلاق متنفرم و از آن کسی که در حق زن خود ظلم می کند نفرت دارم، پس مواظب باشید که به زن تان خیانت نکنید.»

روز داوری نزدیک است

^{۱۷} شما با سخنان تان خداوند را خسته ساخته اید و باز هم می گوئید: «چگونه او را خسته ساختم؟» با این سخنان تان او را خسته می سازید که می گوئید: «خداوند قادر مطلق از کسانی که کارهای بد می کنند راضی است و آن ها را دوست دارد.» یا می گوئید: «کارهای خدا عادلانه نیستند.»

۳ خداوند قادر مطلق می فرماید: «من قاصد خود را می فرستم تا راه را برای من آماده سازد. بعد خداوندی که منتظرش هستید ناگهان به عبادتگاه خود می آید. آن قاصدی که مشتاق دیدارش هستید، می آید و پیمان مرا به شما اعلام می کند.»

^{۱۲} اما چه کسی می تواند طاقت آن روز را داشته باشد؟ وقتی او می آید، کیست که بتواند با او روبرو شود؟ او مانند آتشی است که فلز را تصفیه می کند و مثل صابون است که همه چیز را پاک می سازد. ^{۱۳} او مثل کسی که نقره را صاف می کند، کاهنان را مانند طلا و نقره پاک می سازد تا آن ها با دل صاف هدایای

برکات فراوان خود برخوردار می‌سازم. ۱۱ حشرات و آفات را از کشور تان محو می‌کنم تا محصول زمین شما ضایع نشود و تا کستان‌های تان بی‌حاصل نگردند. ۱۲ اقوام دیگر شما را خوشحال و کامران می‌خوانند و کشور تان یک سرزمین با ثمر می‌شود.»

روز داوری خداوند فرامی‌رسد

۴ خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «روز داوری من مانند تنور شعله‌ور فرامی‌رسد و همه اشخاص متکبر و شریر را مثل گاه می‌سوزاند و آن‌ها طوری می‌سوزند که هیچ چیزی از آن‌ها باقی نمی‌ماند. ۲ اما برای شما که از نام من می‌ترسید، آفتاب عدالت با پرتو شفافبخش خود طلوع می‌کند. شما مثل گوساله‌ها از خوشی جست و خیز می‌زنید. ۳ در آن روز معین، مردم بدکار را مانند خاکستر در زیر کف پاهای تان لگدمال می‌کنید. ۴ تعلیمات، فرایض و احکامی را که بر کوه سینا توسط بنده‌ام، موسی به همه قوم اسرائیل دادم، فراموش نکنید. ۵ پیش از فرارسیدن آن روز عظیم و هولناک که روز داوری خداوند است، من ایلیای نبی را پیش شما می‌فرستم. ۶ او دلهای پدران را بسوی پسران و دلهای پسران را بسوی پدران مایل می‌سازد تا مبادا من سرزمین شما را با نفرین خود ویران کنم.»

وعده رحمت خداوند

۱۳ خداوند می‌فرماید: «شما برضد من سخنان زشت گفته‌اید.» ولی شما می‌پرسید: «ما برضد تو چه گفته‌ایم؟» ۱۴ شما گفته‌اید: «عبادت خدا بی‌فایده است. چرا ما همیشه از احکام او پیروی کنیم و یا با غم و اندوه برای بخشش بحضور خداوند قادر مطلق برویم؟» ۱۵ ببینید که مردم خودخواه و متکبر چطور خوشبخت زندگی می‌کنند، اشخاص بدکار کامیاب و سعادت‌مند می‌شوند و از مجازات نجات می‌یابند.» ۱۶ آنگاه کسانی که به خداوند احترام داشتند با یکدیگر به گفتگو پرداختند. خداوند به سخنان آن‌ها گوش داد و همه را شنید. بعد در کتاب یادگاری که در حضور خداوند بود، نامهای همه کسانی که بنام خداوند احترام داشتند، نوشته شدند. ۱۷ خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «در آن روز معین، اینها قوم خاص من می‌باشند و مثل والدینی که به فرزند

